

شرح زندگی و یکتور هوگو به قلم مترجم

هر فرد باسواد دربارهٔ یکتور هوگو که بی‌شک از بزرگ‌ترین شعرای همهٔ قرون خصوصاً در سرودن آغانی و قصاید است، و از نظر بلندی فکر و قوت تصور، و اهمیت ادبی و فلسفی و اخلاقی و تاریخی آثار، کمتر نویسنده و شاعر به پایش می‌رسد، کمابیش اطلاعی دارد، اما چون شرح زندگانی و آثار این نابغهٔ قرن نوزدهم به تفصیل در زبان فارسی کمتر نوشته شده است نگارنده با مراجعه به کتب و رسائل مختلفی که در زبان فرانسه در خصوص یکتور هوگو تألیف شده است و با مطالعهٔ غالب آثار او خلاصهٔ مفیدی تهیه کرده‌ام که اینک در معرض استفادهٔ عموم می‌گذارم:

تولد و یکتور هوگو

ویکتور هوگو در عصر منقلب و متلاطمی قدم به عرصهٔ وجود نهاد. خود در اولین قطعهٔ کتاب برگ‌های خزان تاریخ ولادتش را با اشاره به حوادث آن عصر چنین ذکر کرده است:

این قرن دو سال داشت،^۱ رم جای اسپارت را می‌گرفت.

از زیر جلد بناپارت ناپلئون پدیدار می‌شد.

کنسول اول بود، اما پیشانی امپراتوری‌اش، این نقاب تنگ را در هم می‌شکست.

در چنین موقع، در بزانشون شهر قدیم اسپانیایی،

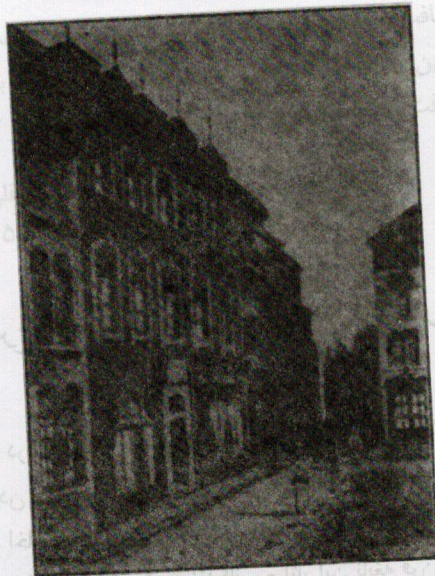
مانند حبه‌ای در معرض یک تندباد،

از نژادی، در عین حال، بر تون و لورن طفلی، به‌وجود آمد...

1. Hougomon

2. Hugemon

۱. یعنی دو سال از این قرن (قرن نوزدهم) گذشته بود (۱۸۰۲).



نمای خانه‌ای که ویکتور هوگو در آن به دنیا آمد، واقع در بزانسون. این خانه هنوز به همین وضع باقی است. شماره ۱۳۸ خیابان گراندرو

ویکتور ماری هوگو در شهر بزانسون^۱ که پایتخت فرانسه^۲ و حاکم‌نشین فعلی دو،^۳ واقع در مشرق فرانسه است و روی رودخانه‌ای به همین اسم قرار دارد، روز ۲۶ فوریه ۱۸۰۲ متولد شد.

اصل و نسب ویکتور هوگو

ویکتور هوگو سومین فرزند ژوزف لئوپولد سیژیسبر هوگو^۴ فرمانده گردان چهارم بیستیم نیم‌تیپ لشکر، و سوفی فرانسواز تربوشه^۵ دختر یک ناخدای قدیم کشتی بازرگانی مقیم نانت بود.

1. Besançon
2. Franche - Conté
3. Doubs
4. Joseph-Léopold Sigisbert Hugo
5. Sophi Françoise Trébuchet



ویکتور هوگو خود در نامه‌ای که در ۱۸۲۹ به بوردونه، وزیر داخله شارل دهم پادشاه فرانسه، برای امتناع از دریافت مستمری از این پادشاه نگاشته است می‌نویسد: «خانواده من که از ۱۵۳۱ عنوان نجابت داشته است همچنین مصنف کتاب ویکتور هوگو به حکایت یک شاهد زندگانی‌اش (مادام ویکتور هوگو که قسمت عمده این کتاب را ظاهراً به تقریر شوهرش نوشته است) مدعی است که ویکتور هوگو از اعقاب یک خانواده کهن سال لورن است که در قرن شانزدهم در ردیف نجبا قرار گرفته.

و نیز خود ویکتور هوگو ضمن بسیاری از آثارش، به قدمت و اصالت خاندانش اشاره کرده؛ مثلاً در جلد اول همین بینوایان از اسقف پتولماییس نام برده و او را عم بزرگ خود نامیده است. بعد در قسمت واترلو در همین کتاب به مناسبت قلعه اوگومون^۱ نزدیک میدان جنگ واترلو، گفته است که این اسم اوگومون در زبان لاتینی، هوگومون^۲ است و این ناحیه به اسم یکی از اجداد او نامگذاری شده است.



عمارتی که هوگو در آن به دنیا آمد به وضعی که در ۱۸۰۲ داشت.

1. Hougomon
2. Hugomons

کتاب اول
رمان‌های بزرگ دنیا / ۲۵

بینوایان

(جلد دوم)

۸۷۶-۲۲۷۱-۰۰-۳۹۶-۸۷۶
۲-۳۲۷۱-۰۰-۳۹۶-۸۷۶

نوشته

ویکتور هوگو

حسینقلی مستعان



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران، ۱۳۹۸

کتاب اول

مطالعه در پاریس به وسیله مطالعه در اتم آن

۱

پاروولوس^۱

پاریس را کودکی است، جنگل را پرنده‌ای؛ پرنده گنجشک نام دارد، کودک لات^۲ نامیده می‌شود.

این دو فکر را، که یکی سراسر آتش سوزان است و دیگری سراسر نور سپیده‌دم، با هم جفت کنید، این دو شراره را، پاریس و کودکی را درهم کوبید؛ موجود کوچکی از آن بیرون می‌جهد، پلوت^۳ اگر باشد این موجود را هومونچیو^۴ می‌نامد.

این موجود کوچک شادمان است، همه روز غذا نمی‌خورد، و همه شب هرطور که پسندش افتد به تماشاخانه می‌رود. نه پیراهنی به تن دارد، نه کفشی به پا و نه سقفی بالای سر؛ مانند مگس‌های آسمان است که هیچ‌یک از این‌ها را ندارند. از هفت تا سیزده سال دارد. با جماعت زندگی می‌کند، خیابان ذرع می‌کند، در هوای آزاد منزل می‌کند، شلوار کهنه‌ای به پا دارد که از پدرش به ارث برده است و از پاشنه پایش پایین‌تر می‌آید، کلاهی

۱. Parvulus: لغت لاتین به معنی «پسر بچه کوچک».
۲. این کلمه برابر Gamin اختیار شده است زیرا که در فارسی کلمه دیگری که این معنی را برساند نداریم و کلماتی از قبیل «ولگرد» و «کوچه‌گرد» کمتر از «لات»، رساننده مقصودند، با توجه به آنکه بچه لات تهران نیز از جنبه خوبی، کم‌وبیش همین خصوصیات «گامن» پاریس را دارد.
۳. ترجمه تحت‌اللفظی این قسمت چنین است: «به جای آنکه به نقاشی مشغول شوم، وقتم را به کش رفتن سیب‌ها می‌گذرانم.» Rapin (شاگرد نقاش) و Rapine (دستبرد) است.
۴. Homuncio: لغت لاتین به معنی «مرد کوچک».